



تأثیر تعدیل‌کنندگی کیفیت و تداوم حسابداری بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود

امیرعلی بندریان^۱

ابراهیم وحیدی الیزبی^۲

فرامرز مقصودی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۳

چکیده

اقدام تعهدی سود از یک سو به مدیران اجازه می‌دهند تا سود را طوری محاسبه کنند که گویای ارزش واقعی بنگاه اقتصادی باشد و از سوی دیگر این اقدام به مدیران اختیار می‌دهند تا از انعطاف‌پذیری روش‌ها و اصول پذیرفته شده حسابداری سوء استفاده کرده و محتوای اطلاعاتی سود را مخدوش کنند. از طرفی یکی از نقش‌های حاکمیت شرکتی کاهش تضاد منافع بین سهامداران و مدیران است. حاکمیت شرکتی احتمالاً وقوع مدیریت سود را کاهش می‌دهد و احتمالاً درک سرمایه‌گذاران را از اعتبار عملکرد شرکت‌ها که به وسیله سودها در شرایط مدیریت سود ارزیابی می‌شود را بهبود بخشند. هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر تعدیل‌کنندگی کیفیت و تداوم حسابداری بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. آزمون فرضیه‌ها با استفاده از روش آماری داده‌های تلفیقی با استفاده از اطلاعات ۱۷۰ شرکت منتخب انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داد که کیفیت حسابداری، تداوم انتخاب حسابداری، مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی باعث کاهش مدیریت سود می‌شوند. همچنین روابط تعاملی بین متغیرهای مزبور نیز نشان داد که با افزایش کیفیت و تداوم انتخاب حسابداری؛ مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی بصورت فزاینده باعث کاهش مدیریت سود می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود، مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی، تداوم انتخاب حسابداری، کیفیت حسابداری.

۱- کارشناس ارشد حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، (مسئول مکاتبات) bandari_amirali@yahoo.com

۲- استادیار گروه حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، نویسنده اصلی.

۳- دانشجوی دکتری حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۱- مقدمه

با جدا شدن مالکیت و مدیریت در شرکت‌های سهامی، مدیران به عنوان نماینده سهامداران، شرکت را اداره می‌کنند. با گذشت زمان این رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران را به وجود آورده که به آن تضاد نمایندگی گفته می‌شود. یعنی این امکان بالقوه به وجود می‌آید که مدیران تصمیماتی را اتخاذ نمایند که در راستای منافع خودشان و عکس منافع سهامداران باشد. یکی از عوامل شکل دهی تضاد نمایندگی بین مدیران و سهامداران عدم شفافیت اطلاعاتی بین آن‌ها بوده و به همین دلیل سهامداران نمی‌توانند اعمال و فعالیت‌های مدیران را به طور مستمر کنترل کنند، از سویی دیگر، حسابداری تعهدی حق انتخاب قابل توجهی به مدیران در تعیین سود در دوره‌های زمانی متفاوت اعطا می‌کند. در واقع تحت این نوع از سیستم حسابداری، مدیران کنترل چشم‌گیری بر زمان تشخیص برخی اقلام هزینه از جمله هزینه‌های تبلیغات و مخارج تحقیق و توسعه را دارند. هم چنین مدیران در سیستم حسابداری تعهدی با گزینه‌های متفاوتی در مورد زمان تشخیص درآمدها نیز روبه رو هستند. این گونه عملکرد از سوی مدیران در عبارتی ساده به عنوان مدیریت سود بیان می‌شود. نکته اصلی این است که روش‌های متعددی برای مدیریت سود وجود دارد و مدیر برای سود خالص گزارش شده در چارچوب استانداردهای حسابداری آزادی عمل وسیعی دارد. همچنین، برای بسیاری از اقلام تعهدی، کشف مدیریت سود اعمال شده توسط حسابرسان شرکت مشکل خواهد بود یا اگر حسابرسان به این موضوع پی‌برند، گاهی نمی‌توانند مخالفت کنند زیرا بسیاری از تکنیک‌های مدیریت سود در محدوده استانداردهای حسابداری می‌باشد. به هر حال شناسایی سازوکارهایی که بتواند در کاهش مدیریت سود اثربخش باشد بسیار حائز اهمیت است. با این حال، وجود تضاد منافع بین ذینفعان در شرکت‌ها مشکلات متعددی همچون تئوری نمایندگی و مشکلات ذینفعان را به همراه داشته و بحث‌های متعددی را موجب شده است که موضوع حاکمیت شرکتی از اصلی‌ترین آن‌هاست که به منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیران می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰، ۳).

با توجه به این موضوع ضرورت تحقیقاتی که بتواند اهمیت سازوکارهای حاکمیت شرکتی را در کاهش مدیریت سود و افزایش شفافیت اطلاعاتی و کیفیت گزارشگری مالی در ایران مورد بررسی قرار دهد به خوبی احساس می‌شود. از این‌رو در این تحقیق تأثیر تعدیل‌کنندگی کیفیت و تداوم انتخاب حسابرس بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- چارچوب نظری

یکی از اهداف گزارشگری مالی، ارائه اطلاعاتی است که برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و دیگر کاربران فعلی و بالقوه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه‌گذاری و اعتباردهی و سایر تصمیم‌ها، سودمند باشد. یکی از معیارهای مهمی که گروه‌های مزبور برای برآورد قدرت سودآوری شرکت، پیش‌بینی سودهای آینده و ریسک‌های مربوط به آن و همچنین ارزیابی عملکرد مدیریت استفاده می‌کنند، سودهای جاری و گذشته شرکت است (سجادی و همکاران، ۱۳۹۱، ۸۳).

سود نیز خود متشکل از اقلام نقدی و تعهدی است و اقلام تعهدی سود تا حدود زیادی در کنترل مدیریت هستند و وی می‌تواند برای بهتر جلوه‌دادن عملکرد شرکت و افزایش قابلیت پیش‌بینی سودهای آینده در اقلام تعهدی سود دست برده و به اصطلاح امروزی سود را مدیریت کند. به بیان دیگر، مدیران تلاش می‌کنند تا با انتخاب روش‌های مجاز حسابداری، نتایجی قابل پیش‌بینی و ثابت خلق کنند. زیرا، اغلب سرمایه‌گذاران و مدیران اعتقاد دارند شرکت‌هایی که روند سودآوری مناسبی دارند و سود آن‌ها دچار تغییرات عمده نمی‌شود نسبت به شرکت‌های مشابه، ارزش بیشتر و قابلیت پیش‌بینی و مقایسه بیشتری دارند. از سوی دیگر، با توجه به تئوری نمایندگی مدیران می‌توانند از انگیزه لازم برای دستکاری سود به منظور حداکثر کردن منافع خود برخوردار باشند (دستگیر و ناظمی، ۱۳۸۶، ۱۳).

مدیریت سود روشی است که توسط مدیریت جهت دستکاری داده‌ها به کار می‌رود. به عنوان مثال، هموار نمودن سود برای کسب اطمینان بیشتر سرمایه‌گذاران از پایداری سود، نمونه‌ای از دستکاری داده‌ها محسوب می‌شود. این قبیل اقدامات ممکن است داده‌های موجود در صورت‌های مالی را به میزان قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر قرار دهد. راه‌های مختلفی وجود دارد که طی آن می‌توان از ثبت‌های دفتری در جهت مدیریت سود استفاده کرد. در بیشتر زمان‌ها از ثبت‌های نامربوط در دفترهای حسابداری به منظور سرپوش گذاشتن بر سوء استفاده‌های مالی استفاده می‌شود، در سایر مواقع از ثبت‌ها به عنوان ابزاری برای مدیریت سود استفاده می‌شود. مدیریت شرکت در هنگام اعمال مدیریت سود، آشکارا می‌داند که هدف از این کار، نگهداری از منافع شرکت در مقابل صاحبان سود می‌باشد. حتی در موارد دیگر مدیریت سود به منظور کسب پاداش اختصاص یافته به مدیران به علت نگهداری هر چه بیشتر از شرکت در برابر صاحبان سود است (وایلد و همکاران^۱، ۲۰۰۱، ۷).

دچو و اسلوان^۲ (۱۹۹۶) دریافتند که مدیران عامل تمایل به کاهش هزینه تحقیق و توسعه در سال‌های آخر خدمت خود دارند تا احتمالاً سودهای گزارش شده را افزایش دهند. شرکت‌ها همچنین سودها را به منظور دستیابی به انتظارات بازار مدیریت می‌کنند. اخیراً موضوع حاکمیت شرکتی در

سطح بین‌المللی توجه زیادی به خود جلب کرده است. درستی گزارشگری مالی دغدغه مشترک تدوین‌کنندگان استاندارد و افراد شاغل در حرفه بوده است (به ویژه پس از رسوایی‌های مالی شرکت‌های معتبر و شناخته شده‌ای مثل انرون و ورلد کام) در خصوص کشورهای آسیایی؛ حاکمیت شرکتی ضعیف، به عنوان یکی از دلایل بحران مالی ۱۹۹۷ آسیا عنوان شده است (آقایی، ۱۳۸۸، ۹). تئوری نمایندگی به این موضوع اشاره دارد که بخشی از عملیات شرکت‌ها به روابط نمایندگی بین سهامداران و مدیران مربوط می‌شود. در واقع جدایی مالکیت سهام و کنترل مدیریت بر عملیات شرکت می‌تواند به تضاد منافع منجر شود و هزینه‌های نمایندگی ناشی از این تضاد منافع بین مدیران و سهامداران بوجود آید. بدون مسئله نمایندگی، کیفیت گزارشگری هیچ مسئله خاصی نخواهد داشت چون مدیران هیچ‌گونه انگیزه‌ای برای تحریف گزارشات مالی یا مخفی نگه‌داشتن اطلاعات ندارند. حاکمیت شرکتی یکی از ساز و کارهای کاهش مسئله نمایندگی است. مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند فرصت‌های مدیریت سود را کاهش و در نتیجه کیفیت سود را افزایش دهد (نیکومرام و محمد زاده، ۲۰۱۳۸۹). با توجه به مطالب فوق، تحقیق حاضر به دنبال این سؤال است که آیا ساختارهای متفاوت مالکیت باعث جلوگیری از اعمال مدیریت سود توسط مدیریت شرکت می‌شوند؟ و آیا کیفیت حسابرسی و تداوم انتخاب حسابرس باعث کاهش رفتار فرصت طلبانه مدیر می‌شوند؟

۳- پیشینه تحقیق

چن و همکاران^۳ (۲۰۰۸) در پژوهشی تحت عنوان "کیفیت حسابرسی و مدیریت سود برای شرکت‌های درگیر در عرضه عمومی سهام تایوان با انتخاب ۴ شرکت بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرسان با کیفیت و مقایسه سود در شرکت‌های حسابرسی شده توسط این ۴ شرکت با سود در سایر شرکت‌هایی که توسط غیر این ۴ شرکت حسابرسی شده‌اند، به بررسی ارتباط کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در مراحل قبل و بعد از عرضه عمومی سهام پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اولاً، در چنین شرکت‌هایی مدیریت سود رخ می‌دهد و ثانیاً، بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی ارتباط معنی داری وجود دارد، به این صورت که بالاتر بودن کیفیت حسابرسی موجب کاهش مدیریت سود در این شرکت‌ها می‌شود.

تندلی^۴ (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی با عنوان "مدیریت سود و کیفیت حسابرسی در اورپا: شرکت‌های بخش خصوصی، با در نظر گرفتن ۴ شرکت بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرسان با کیفیت و بررسی مدیریت سود در شرکت‌های حسابرسی شده توسط این ۴ شرکت و مقایسه با مدیریت سود صورت گرفته در شرکت‌هایی که توسط غیر ۴ شرکت بزرگ حسابرسی شده‌اند، به این

نتیجه رسیدند که بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی، ارتباط منفی معنی داری وجود داشته و کیفیت بالای حسابرسی در شرکت‌هایی که دارای قوانین مالیاتی مشابه هستند، باعث کاهش در مدیریت سود می‌شود.

زهری و شبوه^۵ (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و ویژگی‌های حاکمیت شرکتی با مدیریت سود پرداخت. این تحقیق که با استفاده از اطلاعات ۹۳ شرکت تونسی طی سال‌های ۱۹۹۷ الی ۲۰۱۲ انجام شده بود نشان داد که بین کیفیت حسابرسی، اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره با مدیریت سود یک رابطه منفی و همچنین بین پاداش هیئت مدیره، مالکیت نهادی و مدیریتی با مدیریت سود یک رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

کویب و جاربوب^۶ (۲۰۱۴) در تحقیقی به بررسی تأثیر کیفیت و تداوم حسابرسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود در بورس تونس با استفاده از اطلاعات ۶۱ شرکت و طی دوره زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ پرداختند. نتایج نشان داد که کیفیت حسابرسی و تداوم حسابرسی باعث کاهش اقلام تعهدی اختیاری می‌شوند. همچنین اثر تعاملی کیفیت و تداوم حسابرسی با مالکیت نهادی و مدیریتی باعث کاهش مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی اختیاری می‌گردد.

موهندنور و همکاران^۷ (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی تأثیر انگیزه‌های فرصت طلبی مدیریت و عوامل کاهنده آن بر مدیریت سود در بورس اوراق بهادار مالزی طی دوره زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ با استفاده از اطلاعات ۲۳۰ شرکت پرداختند. در این تحقیق از متغیرهای اهرم مالی، سود سهام و جریان نقد آزاد به عنوان معیارهای فرصت طلبی و انگیزه‌های تقلب استفاده شده بود و از کیفیت حسابرسی به عنوان عامل کاهنده این انگیزه‌ها استفاده شده بود. نتایج تحقیق نشان داد که اهرم مالی، سود سهام و کیفیت حسابرسی باعث کاهش دستکاری در سود می‌شوند و جریان نقد آزاد با مدیریت سود رابطه مثبتی دارند.

استا (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود پرداخت. این تحقیق با استفاده از اطلاعات ۹۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و طی دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد که رابطه منفی و معناداری بین مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی با مدیریت سود وجود دارد، اما بین مالکیت شرکتی و مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

وحیدی‌الیزبی و روانان (۱۳۹۳) در تحقیقی به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج فرضیات تحقیق که با استفاده از روش آماری داده‌های تلفیقی و برای دوره زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۱ با استفاده از اطلاعات ۱۲۰ شرکت انجام شده بود، نشان داد که بین کیفیت حسابرسی، اندازه هیئت مدیره،

غیرموظف بودن اعضای هیئت مدیره و مدیریت سود یک رابطه منفی و معنی‌دار و بین پاداش هیئت مدیره و مدیریت سود یک رابطه مثبت وجود دارد. واعظ و ریسی (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی رابطه تعاملی بین مکانیزم راهبری شرکتی، جریان وجه نقد آزاد و مدیریت سود طی دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ با استفاده از اطلاعات ۱۷۰ شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق مزبور نشان داد که مطابق نظریه جنسن (۱۹۸۶) بین مدیریت سود و جریان نقد آزاد یک رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی از جمله مالکیت نهادی و مدیریتی، کیفیت حسابرسی و اندازه هیات مدیره باعث کاهش و تعدیل این رابطه می‌شوند و اندازه شرکت و اهرم مالی نیز با مدیریت سود رابطه مثبت و معنی‌داری دارند.

۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری، فرضیات به شرح زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه اول: کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود تأثیر معنی‌داری دارد.

فرضیه دوم: تداوم انتخاب حسابرسی بر مدیریت سود تأثیر معنی‌داری دارد.

فرضیه سوم: مالکیت نهادی بر مدیریت سود تأثیر معنی‌داری دارد.

فرضیه چهارم: مالکیت مدیریتی بر مدیریت سود تأثیر معنی‌داری دارد.

فرضیه پنجم: کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالکیت نهادی و مدیریت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد.

فرضیه ششم: کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالکیت مدیریتی و مدیریت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد.

فرضیه هفتم: تداوم انتخاب حسابرسی بر رابطه بین مالکیت نهادی و مدیریت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد.

فرضیه هشتم: تداوم انتخاب حسابرسی بر رابطه بین مالکیت مدیریتی و مدیریت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد.

۵- روش تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات

تحقیق حاضر بر اساس هدف، از نوع کاربردی و بر اساس ماهیت و روش، از نوع همبستگی است. این تحقیق بر اساس طرح تحقیق نیمه تجربی و با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی انجام شده است. برای تدوین مبانی نظری تحقیق حاضر از مطالعه کتابخانه‌ای و سپس با استفاده از سایت بورس اوراق

بهادار و همچنین نرم افزار تدبیر پرداز داده‌های اولیه مربوط به شرکت‌ها به طور مستقیم از بورس اوراق بهادار تهران و صورت‌های مالی شرکت‌ها گردآوری شده و برای محاسبه متغیر مستقل و وابسته تحقیق استفاده شده است. بنابراین، روش گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر از نوع بررسی میدانی است. برای پردازش اطلاعات از نرم افزار Excel (نسخه ۲۰۰۷) و Eviews (نسخه ۹) استفاده شده است.

۶- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و متغیرهای تحقیق

آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرسیون چند متغیره با تکیه بر رویکرد داده‌های ترکیبی بهره گرفته شده است. مزیت این روش امکان برآورد پویایی متغیرها در طول زمان است. در این رویکرد، برای انتخاب نوع روش مناسب برآورد مدل، از آزمون‌های چاو یا F لیمر و هاسمن استفاده می‌شود. نحوه اندازه‌گیری و عملیاتی کردن متغیرهای تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

متغیر وابسته: مدیریت سود (EM)

شاخص اندازه‌گیری مدیریت سود، اقلام تعهدی اختیاری می‌باشد. هیلی^۸ (۱۹۸۵)، دی آنجلو^۹ (۱۹۸۶) و جونز^{۱۰} (۱۹۹۱)، طی مطالعاتی در زمینه مدیریت سود با به کارگیری اقلام تعهدی برای کشف مدیریت سود اقدام به ارائه الگوهایی کرده‌اند که در تحقیقات بعدی بارها آزمون شده‌اند. دیچو و همکاران (۱۹۹۶) با ارائه الگویی که از آن پس "الگوی تعدیل‌شده جونز" نام گرفت این الگو را با الگوهای جونز، هیلی و دی آنجلو و نیز الگوی صنعت مورد مقایسه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که الگوی تعدیل‌شده جونز از قدرت بیشتری برای کشف مدیریت سود در واحدهای تجاری برخوردار است (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴، ۱۲). بنابراین در این پژوهش از الگوی تعدیل‌شده جونز برای بررسی مدیریت سود استفاده شده است. در الگوی یاد شده در اولین قدم ارتباط مجموع اقلام تعهدی برای یک دوره زمانی مشخص که به دوره رویداد معروف است با متغیرهای فروش، ناخالص اموال و ماشین آلات و تجهیزات به شرح رابطه ۱ برآورد می‌شود:

(۱)

$$\frac{TA_{it}}{ASSETS_{it-1}} = \alpha_1 \frac{1}{Assets_{it-1}} + \alpha_2 \frac{\Delta Rev_{it}}{Assets_{it-1}} + \alpha_3 \frac{PPE_{it}}{Assets_{it-1}} + \varepsilon$$

در این رابطه TA معرف مجموع اقلام تعهدی است که با استفاده از رابطه ۲ قابل محاسبه است:

(۲)

$$TA_{it} = E_{it} - CFO_{it}$$

در رابطه‌های ۱ و ۲ متغیرها به شرح زیر هستند:

به سال قبل و $Assets_{i(t-1)}$ مجموع دارایی‌های شرکت در سال قبل، ΔREV_{it} تفاوت فروش سال جاری نسبت به سال قبل و PPE_{it} اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ناخالص، E : سود عملیاتی، CFO : جریان نقد عملیاتی و ε_{it} خطای برآورد و α_1 ، α_2 و α_3 پارامترهای خاص شرکت است. اندازه نهایی مدیریت سود مقادیر باقی‌مانده‌های حاصل از تخمین مدل ۳ بوده که بیانگر اقلام تعهدی اختیاری می‌باشد.

متغیرهای مستقل

کیفیت حسابرسی (AQ)

کیفیت حسابرسی متغیر مجازی صفر و یک بوده که در صورتی که حسابررس شرکت، سازمان حسابرسی باشد، یک، و در غیر اینصورت مقدار صفر را اختیار می‌کند (سجادی و همکاران، ۱۳۹۱، ۹).

تداوم انتخاب حسابررس (Tenure)

تداوم انتخاب حسابررس که از طریق تعداد سال‌های متوالی که یک حسابررس مسئولیت حسابرسی یک شرکت را برعهده می‌گیرد، محاسبه می‌شود (سجادی و همکاران، ۱۳۹۱، ۹).

مالکیت نهادی (Instown)

میزان درصد سهام نگهداری شده توسط شرکت‌های دولتی و عمومی از کل سهام سرمایه است که این شرکت‌ها شامل شرکت‌های بیمه، مؤسسه‌های مالی، بانک‌ها، شرکت‌های دولتی و دیگر اجزای دولت است (کومار^{۱۱}، ۲۰۰۳).

مالکیت مدیریتی (Manown)

جنسن و مک لینگ^{۱۲} (۱۹۷۶)، معتقد بودند مالکیت مدیران شرکت در سهام آن، به هم‌سوسازی منافع سهامداران و مدیران کمک می‌کند. این مهم باعث می‌شود تا تعارض بین مدیران و سهامداران کاهش یابد و مدیران تلاش کنند که منابع شرکت به سمت منافع سهامداران میل یابد. مالکیت مدیریتی از طریق نسبت تعداد سهام در دست اعضای هیئت مدیره تقسیم بر تعداد کل سهام منتشر شده شرکت محاسبه می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۹۰).

همچنین در این تحقیق پیرو تحقیق میرز و همکاران^{۱۳} (۲۰۰۳) و سجادی و همکاران (۱۳۹۱) از دو متغیر اندازه شرکت (لگاریتم مجموع دارایی‌ها) و درجه اهرم مالی (نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها) به عنوان متغیرهای کنترل استفاده شده است.

۷- مدل رگرسیونی تحقیق

برای بررسی تأثیر کیفیت و تداوم حسابرس بر مدیریت سود از مدل ۳ استفاده می‌شود:

(۳)

$$EM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AQ_{it} + \beta_2 Tenure_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 LEVE_{it} + \varepsilon_{it}$$

برای بررسی تأثیر تعدیل‌کنندگی کیفیت و تداوم انتخاب حسابرس بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود نیز از مدل تعاملی ۴ استفاده می‌کنیم. بدین صورت که متغیرهای کیفیت حسابرسی و تداوم حسابرسی را بصورت جداگانه در متغیرهای ساختار مالکیت ضرب شده و اگر نتیجه ضرایب مثبت باشد نشان می‌دهد که کیفیت و تداوم حسابرس تأثیر تعدیل‌کنندگی مثبتی بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود دارند و در صورتی که منفی باشد نشان می‌دهد که باعث کاهش این رابطه می‌شوند.

(۴)

$$EM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Instown_{it} + \alpha_2 ManOwn_{it} + \alpha_3 AQ_{it} * Instown_{it} + \alpha_4 AQ_{it} * ManOwn_{it} + \alpha_5 Tenure_{it} * Instown_{it} * \alpha_6 Tenure_{it} * ManOwn_{it} + \alpha_7 Size_{it} + \alpha_8 Leve_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این مدل‌ها:

EM: معیار مدیریت سود، AQ: کیفیت حسابرسی، Tenure: تداوم انتخاب حسابرس، Size: اندازه شرکت، Leve: اهرم مالی، Manown: مالکیت مدیریتی و Instown: مالکیت نهادی می‌باشند. ضرایب β_4 ، β_5 ، β_6 و β_7 در مدل دوم نشان دهنده اثر تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابرسی و تداوم حسابرس بر رابطه بین مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی با مدیریت سود خواهد بود.

۸- جامعه آماری و دوره زمانی پژوهش

جامعه آماری تحقیق حاضر، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۸۴ تا پایان سال ۱۳۹۳ به مدت ۱۰ سال بوده است که در طی این دوره عضویت خود را در بورس اوراق بهادار حفظ کرده‌اند. افزون بر این، جامعه آماری با استفاده از شرایط زیر تعدیل شده است:

- (۱) شرکت باید قبل از سال ۱۳۸۴ در بورس پذیرفته شده و از ابتدای سال ۱۳۸۴ سهام آن در بورس معامله شده باشد؛ (۲) پایان سال مالی شرکت پایان اسفند ماه بوده و در طول دوره تحقیق نیز، تغییر سال مالی نداشته باشد و (۳) اطلاعات مالی شرکت در دسترس بوده باشد.

پس از اعمال این محدودیت‌ها، ۱۷۰ شرکت، همه شرایط حضور در جامعه آماری را داشته‌اند. لذا ۱۷۰ شرکت به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند.

۹- برآورد مدل رگرسیون و آزمون فرضیه‌ها

برای انتخاب بین روش‌های داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی، از آزمون F لیمر (چاو) استفاده شد. در آزمون F لیمر، فرضیه H_0 یکسان بودن عرض از مبدأها (داده‌های تلفیقی) در مقابل فرضیه مخالف H_1 ، ناهمسانی عرض از مبدأها (روش داده‌های تابلویی) قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از F لیمر نشان می‌دهد که روش مورد نیاز برای تخمین مدل‌های تحقیق، روش داده‌های تلفیقی خواهد بود.

جدول ۱- نتایج آزمون F لیمر (همسانی عرض از مبدأهای مقاطع)

نوع آزمون	نتیجه آزمون چاو	p-v	آماره F	مدل	آزمون چاو
داده‌های تلفیقی Pooled data	H_0 رد نمی‌شود	۰/۲۵	۱/۳۸	مدل اول	H_0 : یکسانی عرض از مبدأ مقاطع
	H_0 رد نمی‌شود	۰/۲۹	۱/۲۵	مدل دوم	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج آزمون معناداری مدل اول تحقیق که به بررسی تأثیر کیفیت و تداوم حسابرسی بر مدیریت سود می‌پردازد به صورت تحلیل ترکیبی داده‌ها در جدول ۲ به شرح زیر بیان شده است:

جدول ۲- نتایج آزمون مدل اول تحقیق در سطح داده‌های ترکیبی

شرح	ضرایب	t استیودنت	p-v	VIF
عرض از مبدأ β .	۰/۳۴	۱۰/۶	۰/۰۰	-
AQ	-۰/۲۶	-۲/۷۸	۰/۰۰	۱/۰۱
tenure	-۰/۳۰	-۳/۰۹	۰/۰۰	۱/۰۲
SIZE	۰/۰۴	۲/۹۰	۰/۰۰	۱/۰۱
LEVE	۰/۰۵	۲/۱۲	۰/۰۲	۱/۰۱
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۵			
دوربین واتسن	۱/۸۹			
p.v F-static	(۰/۰۰۰) ۲۳/۷۳			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

زمانی که مقدار آماره VIF کمتر از ۵ (در برخی از منابع عدد ۱۰ نیز ذکر شده است) باشد، شواهدی از وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای مستقل مدل وجود ندارد (افلاطونی و نیکبخت، ۱۳۸۹). مقدار شاخص عامل تورم واریانس^{۱۴} نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل مدل تحقیق با هم مشکل همخطی شدید ندارند. معناداری آماره فیشر (۲۳,۷۳) در سطح ۵٪ حاکی از معناداری کلی مدل برآورد شده است. بنابراین، مدل تحقیق در کل معنی دار بوده و متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح متغیر وابسته را دارند. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل شده حاصل از آزمون مدل ۰/۳۵ بوده است. این رقم نشان می‌دهد که حدوداً ۰/۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی مدیریت سود (اقدام تعهدی اختیاری) ناشی از متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل بوده و ۰/۶۵ دیگر تغییرات آن ناشی از سایر عوامل است. هر چه مقدار این شاخص بزرگ‌تر باشد پراکندگی نقاط حول خط رگرسیون بیشتر خواهد بود. همچنین ملاحظه مقادیر آماره دوربین - واتسن مؤید این مطلب است که بین اجزا اخلاص مدل، خود همبستگی وجود ندارد زیرا این مقادیر در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشند.

فرضیه اول: " کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود تأثیر معنی داری دارد"

با توجه به مقدار احتمال آماره t ، متغیر مستقل کیفیت حسابرسی (AQ) در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه منفی و معنادار با متغیر اقدام تعهدی اختیاری دارد با توجه به نتایج مذکور فرضیه اول را که حاکی از تأثیر منفی و معنی دار کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود است، نمی‌توان رد کرد. به طور کلی هدف حسابرسان، حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات با اهمیت موجود در صورت‌های مالی است. حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند. در این میان انگیزه‌های مدیران در جهت اعمال منافع شخصی خود در کیفیت سود، مانع از رسیدن حسابرسان به اهداف خود می‌شوند. در مقابل حسابرسان می‌توانند با افزایش کیفیت حسابرسی و تداوم حسابرسی، مدیریت سود صورت گرفته توسط مدیران را کشف کرده و مدیران را در اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند.

فرضیه دوم: " تداوم انتخاب حسابرسان بر مدیریت سود تأثیر معنی داری دارد"

با توجه به مقدار احتمال آماره t ، متغیر مستقل تداوم انتخاب حسابرسان (tenure) در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه منفی و معنادار با متغیر اقدام تعهدی اختیاری دارد با توجه به نتایج مذکور فرضیه دوم تحقیق را که حاکی از تأثیر منفی و معنادار تداوم انتخاب حسابرسان بر مدیریت سود

است، نمی‌توان رد کرد. از آنجایی که حسابرسان جدید معمولاً فاقد شناخت کافی درباره فعالیت‌های تجاری و سیستم‌های کنترل داخلی صاحبکار هستند مجبور می‌شوند بیشتر روی تصمیمات مدیران در رابطه با گزارشگری مالی اتکا کنند و در نتیجه احتمال بیشتری وجود دارد که با رویه‌های فرصت طلبانه مدیران موافقت کنند (مدیریت سود). این امر می‌تواند منجر به کاهش استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه شود. اما با افزایش دوره تصدی و بدست آوردن شناخت بیشتر، هوشیاری آن‌ها نسبت به صاحبکار بیشتر شده و از هرگونه ریسک حسابرسی بالقوه اجتناب می‌کنند مثلاً درخواست استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه‌تری را از مدیریت خواهند داشت و در نتیجه مدیریت سود کاهش خواهد یافت.

نتایج آزمون مدل دوم تحقیق که به بررسی اثر تعدیل‌کنندگی کیفیت و تداوم حسابرسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود می‌پردازد در جدول ۳ به شرح زیر بیان می‌شود:

جدول ۳- نتایج آزمون مدل دوم تحقیق در سطح داده‌های ترکیبی

شرح	ضرایب	t استیودنت	p-v	VIF
عرض از مبدأ β .	۰/۶۷	۵/۳۴	۰/۰۰	-
Instown	-۰/۱۴	-۴/۴۱	۰/۰۰	۱/۰۲
Manown	-۰/۱۲	-۳/۶۷	۰/۰۰	۱/۰۲
Aq* Instown	-۰/۱۸	-۳/۹۹	۰/۰۰	۱/۰۱
Aq* Manown	-۰/۱۵	-۲/۸۳	۰/۰۰	۱/۰۱
Tenure*Manown	-۰/۱۳	-۲/۰۵	۰/۰۴	۱/۰۱
Tenure*Instown	-۰/۱۶	-۲/۴۹	۰/۰۰	۱/۰۱
Size	۰/۰۵	۳/۳۴	۰/۰۰	۱/۰۱
Leve	۰/۰۶	۳/۵	۰/۰۰	۱/۰۱
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۵			
دوربین واتسن	۲/۰۲			
p.v F-static	(۰/۰۰۰) ۸۹/۹۰			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مقدار شاخص عامل تورم واریانس نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل مدل تحقیق با هم مشکل همخطی شدید ندارند. معناداری آماره فیشر (۸۹/۹۰) در سطح ۵٪ حاکی از معناداری کلی مدل برآورد شده است. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل شده حاصل از آزمون مدل ۰/۶۵ بوده که نشان می‌دهد حدوداً ۰/۶۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته ناشی از متغیرهای مستقل و کنترلی

بوده است. همچنین ملاحظه مقادیر آماره دوربین - واتسن مؤید این مطلب است که بین اجزا اخلاص مدل، خود همبستگی سریالی مرتبه اول وجود ندارد زیرا این مقادیر در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشند.

فرضیه سوم: " مالکیت نهادی بر مدیریت سود تأثیر معنی داری دارد "

با توجه به مقدار احتمال آماره t متغیر مستقل درصد مالکیت نهادی (instown) در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و منفی با متغیر اقلام تعهدی اختیاری دارد با توجه به نتایج مذکور فرضیه سوم را که حاکی از تأثیر منفی و معنی دار مالکیت نهادی بر مدیریت سود است، نمی‌توان رد کرد. به عبارتی، سرمایه گذاران نهادی، مدیریت اقلام تعهدی اختیاری شرکت را کاهش می‌دهند. این نتیجه بدین معناست که سهام‌داران نهادی نقش نظارتی فعالی بر تصمیمات شرکت در مدیریت سود اعمال می‌کنند و با افزایش درصد مالکیت نهادی سهام انعطاف پذیری شرکت جهت مدیریت اقلام تعهدی کاهش می‌یابد.

فرضیه چهارم: " مالکیت مدیریتی بر مدیریت سود تأثیر معنی داری دارد "

با توجه به مقدار احتمال آماره t متغیر مستقل درصد مالکیت مدیریتی (Manown) در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و منفی با متغیر اقلام تعهدی اختیاری دارد با توجه به نتایج مذکور فرضیه چهارم را که حاکی از تأثیر منفی و معنی دار مالکیت مدیریتی بر مدیریت سود است، نمی‌توان رد کرد. به عبارت دیگر این طبقه از مالکیت نیز همانند مالکان نهادی نقش نظارتی فعالی بر تصمیمات شرکت در خصوص مدیریت سود دارند و با افزایش درصد مالکیت آن‌ها، مدیریت اقلام تعهدی کاهش می‌یابد.

فرضیه پنجم: " کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالکیت نهادی و مدیریت سود اثر تعدیل کنندگی دارد. "

با توجه به مقدار احتمال آماره t متغیر مستقل تعاملی (AQ*Instown) در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و منفی با متغیر اقلام تعهدی اختیاری دارد با توجه به نتایج مذکور؛ فرضیه پنجم را که حاکی از اثر تعدیل کنندگی کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالکیت نهادی و مدیریت سود می‌شود نمی‌توان رد کرد. به بیان دیگر با مقایسه ضریب (Instown) و رابطه تعاملی (AQ*Instown) می‌توان گفت که زمانی که کیفیت حسابرسی شرکت مطلوب باشد هر دو متغیر کیفیت حسابرسی و مالکیت نهادی همزمان باعث کاهش رفتار فرصت طلبانه مدیریت و در نتیجه کاهش مدیریت سود می‌شوند.

فرضیه ششم: " کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالکیت مدیریتی و مدیریت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد."

با توجه به مقدار احتمال آماره t متغیر مستقل تعاملی (AQ*Manown) در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و منفی با متغیر اقلام تعهدی اختیاری دارد با توجه به نتایج مذکور فرضیه ششم را که حاکی از اثر تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالکیت مدیریتی و مدیریت سود می‌شود نمی‌توان رد کرد. به عبارتی وقتی کیفیت حسابرسی شرکت مطلوب باشد باعث کاهش قدرت مدیر و در نتیجه کاهش مدیریت سود می‌شود با مقایسه ضرایب (Manown) و (AQ*Manown) مشاهده می‌شود که ضریب مالکیت مدیریتی از $-۰/۱۲$ به $-۰/۱۵$ رسیده است.

فرضیه هفتم: " تداوم انتخاب حسابرس بر رابطه بین مالکیت نهادی و مدیریت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد."

با توجه به مقدار احتمال آماره t متغیر مستقل تعاملی (Tenure*Instown) در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و منفی با متغیر اقلام تعهدی اختیاری دارد با توجه به نتایج مذکور؛ فرضیه هفتم را که حاکی از اثر تعدیل‌کنندگی تداوم انتخاب حسابرس بر رابطه بین مالکیت نهادی و مدیریت سود می‌شود نمی‌توان رد کرد. در واقع با مقایسه ضرایب می‌توان بیان کرد زمانی که تداوم انتخاب حسابرس در مالکیت نهادی ضرب می‌شود و به عنوان متغیر تعاملی تأثیر گذار وارد مدل می‌شود باعث می‌شود که مدیریت سود بیش از پیش کمتر شود.

فرضیه هشتم: " تداوم انتخاب حسابرس بر رابطه بین مالکیت مدیریتی و مدیریت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد."

با توجه به مقدار احتمال آماره t متغیر مستقل تعاملی (Tenure*Manown) در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و منفی با متغیر اقلام تعهدی اختیاری دارد با توجه به نتایج مذکور؛ فرضیه هشتم را که حاکی از اثر تعدیل‌کنندگی تداوم انتخاب حسابرس بر رابطه بین مالکیت مدیریتی و مدیریت سود می‌شود نمی‌توان رد کرد. این بدین مفهوم است که با افزایش تداوم انتخاب حسابرس، حسابرس با شناختی که از سیستم صاحبکار پیدا می‌کند راه‌های دستکاری مدیریت سود را کشف و باعث کاهش مدیریت سود می‌شود.

۱۰- بحث و نتیجه گیری

به لحاظ با اهمیت بودن تأثیر وجود ساز و کارهای لازم و دستیابی به کیفیت مطلوب سود، اکثر جوامع تلاش‌هایی را برای فراهم کردن سیستم حاکمیت شرکتی مناسب انجام داده‌اند. در دهه‌های اخیر نظریات متفاوتی پیرامون ارتباط بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود مطرح شده است و تحقیقات تجربی متفاوتی نیز پیرامون این تئوری‌ها صورت گرفته که منجر به تأیید و یا رد تئوری‌های مذکور گردیده‌اند. در این تحقیق به تأثیر تعدیل‌کنندگی کیفیت و تداوم حسابرس بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد که نتایج آن نشان داد که کیفیت و تداوم انتخاب حسابرس بر مدیریت سود تأثیر منفی و معناداری دارد. به طور کلی حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند. حسابرسان می‌توانند با افزایش کیفیت حسابرسی، مدیریت سود صورت گرفته توسط مدیران را کشف کرده و مدیران را در اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند. همچنین نتایج حاکی از آن بود که مالکیت نهادی و مدیریتی نیز تأثیر منفی و معنی داری بر مدیریت سود دارد. این نتیجه بدین معناست که این سهام‌داران نقش نظارتی فعالی بر تصمیمات شرکت در مدیریت سود اعمال می‌کنند و با افزایش درصد مالکیت آن‌ها انعطاف‌پذیری شرکت جهت مدیریت اقلام تعهدی کاهش می‌یابد. نتایج یافته‌های مربوط به این تحقیق با نتایج تحقیقات چن و همکاران (۲۰۰۸)، تندلی (۲۰۰۸)، زهری و شبوه (۲۰۱۳)، کویب و جاربوب (۲۰۱۴)، موهدنور و همکاران (۲۰۱۵)، استا (۱۳۹۱)، وحیدی‌الیزبی و روانان (۱۳۹۳) و واعظ و ریسی (۱۳۹۴) همخوانی دارد.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود تا هنگام استفاده از صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری در رابطه با سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها یا فروش سهام به پدیده مدیریت سود توجه نمایند. اتکا به سود و قیمت هر سهم، بدون در نظر گرفتن اثرات احتمالی مدیریت سود می‌تواند دارای نتایج نامطلوبی باشد. شناخت پدیده مدیریت سود توسط سرمایه‌گذاران می‌تواند به درک بهتر مفهوم سود حسابداری، شناخت ویژگی‌ها و محدودیت‌های آن، کمک نماید. علاوه بر این به دلیل اینکه امکان به کارگیری اقلام تعهدی سود حسابداری برای انجام مدیریت سود توسط مدیر، وجود دارد، لذا سازمان حسابرسی به عنوان تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری و حسابرسی باید به این انگیزه مدیران، هنگام تدوین استاندارد توجه نماید. همچنین، باید توجه داشت که برخی از استانداردها نسبت به استانداردهای دیگر، به دلیل نیاز به اعمال قضاوت بیشتر در مورد آن‌ها و امکان برداشت‌های متفاوت از آن‌ها، دارای زمینه بهتری برای انجام مدیریت سود هستند. بنابراین، سازمان حسابرسی باید محدوده هر استاندارد را تا حد ممکن،

مشخص کند تا به این طریق بتواند آزادی عمل مدیران را کاهش دهد. البته باید توجه داشت که محدود کردن بیش از حد استانداردها ممکن است باعث کاهش سودمندی گزارشگری مالی شود. لذا وظیفه این سازمان، آن است که بین آزادی عمل مدیران و احتمال انجام مدیریت سود تعادل برقرار کند.

فهرست منابع

- ۱) آقای، محمدعلی، (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت"، سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله تحقیقات حسابداری، سال اول، شماره ۴، صص ۱-۲۴.
- ۲) افلاطونی، عباس و لیلی نیکبخت، (۱۳۸۹)، "اقتصاد سنجی در حاکمیت و اقتصاد"، انتشارات ترمه، چاپ اول، تهران.
- ۳) استاء سهراب، (۱۳۹۱)، "بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود"، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۸، صص ۹۳-۱۰۶.
- ۴) دستگیر، محسن و امین ناظمی، (۱۳۸۶)، "بررسی نظرات استادان دانشگاه‌ها، حسابداران حرفه ای و قانون گذاران در رابطه با مدیریت سود"، دانش و پژوهش حسابداری، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۱۸-۱۲.
- ۵) سجادی، سید حسین و محمدصادق زارع زاده مهریزی، (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه بین طرح‌های پاداش مدیران و معیارهای اقتصادی ارزیابی عملکرد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۱۰، صص ۵۴-۴۱.
- ۶) سجادی، سیدحسین، حسن فرازمنند و صادق قربانی، (۱۳۹۱)، "تأثیر تداوم انتخاب حسابرس بر کیفیت حسابرسی"، مجله پیشرفت‌های حسابداری، دوره ۴، شماره ۱، پیاپی ۶۳/۲، صص ۱۰۹-۸۱.
- ۷) مجتهد زاده، ویدا، (۱۳۹۰)، "رابطه نظریه نمایندگی و مالکیت مدیریت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۲۹-۱.
- ۸) نیکومرام، هاشم و حیدر محمد زاده سلاطه، (۱۳۸۹)، "رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود"، مجله فراسوی مدیریت، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۲۱۰-۱۸۷.
- ۹) مشایخی، بیتا، ساسان مهرانی، کاوه مهرانی و غلامرضا کرمی، (۱۳۸۴)، "نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۲، شماره ۴۲، صص ۷۴-۶۱.
- ۱۰) نوروش، ایرج، محمدرضا نیکبخت و سحر سپاسی، (۱۳۸۴)، "بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران"، مجله دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، شماره ۲، صص ۱۶۵-۱۷۷.
- ۱۱) وحیدی الیزبی، ابراهیم و سمیه روانان، (۱۳۹۳)، "بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران". سومین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، تهران، صص ۱۷-۱.

۱۲) واعظ، سید علی و امین ریسی، (۱۳۹۴)، "بررسی رابطه تعاملی بین مکانیزم راهبری شرکتی، جریان وجه نقد آزاد و مدیریت سود"، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل خلیج فارس، صص ۹۸-۹۹.

- 13) Comar, J.Ch., Sun, H.L., (2003), "The Relation between Earning Informativeness, Earnings Management and Corporate Governance in The Pre- And Post-Sox Periods", Working Paper, Ssrn Working Paper, PP. 1-48
- 14) Chen, C. Y., Lin, C. J., & Lin, Y. C., (2008), "Audit Partner Tenure, Audit Firm Tenure, And Discretionary Accruals: Does Long Auditor Tenure Impair Earnings Quality?", *Contemporary Accounting Research*, 25(2), PP. 415-445.
- 15) Dechow, P., Sloan, R And Sweeney, A., (1996), "Causes and Consequences of Earning Manipulation: An Analysis of Firms Subject to Enforcement Actions By The Sec", *Contemporary Accounting Research*, PP. 13:1-36.
- 16) Dechow, P. M., Sloan, R. G., & Sweeney, A. P., (1995), "Detecting Earnings Management ". *The Accounting Review*, 70(2), PP. 193-226.
- 17) Deangelo, (1986), "Accounting Number as Market Valuation Substitutes: A Study of Management Buyouts of Public Stockholder", *The Accounting Review*, 61, PP. 32-45.
- 18) Jensen, M.C., And Meckling W.H., (1976), "Theory of The Firm: Managerial Behavior, Agency Costs And Ownershipstructure", *Journal of Financial Economics*, PP.305-360.
- 19) Jones J., (1991), "Earnings Management During Import Relief Investigations", *Journal of Accounting Research*, Vol. 29, PP. 193-228.
- 20) Healy P.M., (1985), "The Effect of Bonus Schemes on Accounting Decisions", *Journal of Accounting And Economics*, PP. 85-107.
- 21) Kouaiba Amel., Anis Jarbouib., (2014), "External Audit Quality And Ownership Structure: Interaction and Impact on Earnings Management of Industrial And Commercial Tunisian Sectors", *Journal of Economics, Finance and Administrative Science* 19, PP. 78-89.
- 22) Myers, J., Myers, L., & Omer, T., (2003), "Exploring The Term of The Auditor-Client Relationship and The Quality of Earnings: A Case for Mandatory Auditor Rotation?", *The Accounting Review*, 78(3), PP. 779-799
- 23) Mohd Noor, Nurul Fitri, Zuraidah Mohd Sanusia, Lee Teck Heang, Takiah Mohd Iskandar, Yusarina Mat., (2015), "Fraud Motives and Opportunities Factors on Earnings Manipulations 7th International Conference on Financial Criminology", Wadham College, Oxford, United Kingdom. *Procedia Economics Nd Finance* 28, PP. 126 - 135.
- 24) Tondli D. Vanesterlin Y., (2008), "Effect of Investor Speculation on Earnings Management", *Journal of Accounting Research*, 42, PP. 34-55.
- 25) Wild, J.J. Bernstein, L.A. And Subramanyam, K. R., (2001), "Financial Statement Analysis", 7th Ed. New York Mc Graw - Hill Higher Education. 31, PP. 12-37.
- 26) Zehri, Fatma And Ridha Shabou., (2013), "Audit Quality, Corporate Governance and Earnings Management In The Context of Tunisian Firms", PP. 1-27

- ¹. Wild Et Al.
- ². Dechow And Sloan
- ³. Chen Et Al.
- ⁴. Tondli
- ⁵. Zehri And Shabou
- ⁶. Kouaiba And Jarbouib
- ⁷. Mohd Noor Et Al
- ⁸. Healy
- ⁹. Deangelo
- ¹⁰. Jones
- ¹¹. Comar
- ¹². Jensen, And Meckling
- ¹³. Myers Et Al.
- ¹⁴. Variance Inflation Factor (VIF)